

- مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول: مسعود فروغی
- سردبیر: محمد زعیم‌زاده
- دبیر وقایع اسرائیلیه: محمدصادق علیزاده
- تلفن و فکس: ۶۲۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- کدپستی: ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
- جواب: جایخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

«وقایع اسرائیلیه» از تخریب سیستماتیک منازل فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی گزارش می‌دهد

تخریب برای آنکه نتوانند بازگردند



پوریا سلطانی‌زاده

وقتی نیروهای امنیتی اسرائیل ناگهان با بولدوزرها و تیم تخریب به خانه محمود جبرئیل نواجار رسیدند، با عصبانیت و بدون هیچ‌گونه توضیحی گفتند این زمین متعلق به شما نیست. سپس دستور تخریب خانه را به او تحویل دادند. آن‌ها ورامت‌هم کردند که بدون مجوز روی زمین ساخت و ساز

کرده، با وجود اینکه خانواده‌اش نسل‌ها مالک این زمین بوده‌اند. نواجار برای دریافت مجوز اقدام کرده و اسناد مالکیت و سند زمین را ارائه داده بود، اما سال‌ها پاسخی از مقامات دریافت نکرد، تا آنکه در آن روز ژوئن، نیروها سر رسیدند. خانواده هفت نفره نواجار اکنون در چادری در کنار آوارهای خانه ویران شده‌شان اسکان یافته‌اند، در حالی که در بولدوزرها هنوز روی زمین دیده می‌شود. همان نیروهای امنیتی، کمی بعد دوباره بازگشتند و این بار چادر را نیز هنگام صرف صبحانه خانواده، تخریب کردند.

نواجار گفت: «این تخریب‌ها یعنی مرگ؛ ما را می‌کشند، اما به شکلی دیگر». خانواده نواجار ۱۵ سال پس‌انداز کرده بودند تا خانه رؤیایی‌شان را بسازند. هر قطعه سنگ آهک که دیوارهای سفید خانه را تشکیل می‌داد - از جمله قاب پنجره‌ها - برایشان ارزشمند بود. ریحان، همسر نواجار، تمام جواهرات و طلا و جواهری‌اش را فروخته بود تا یک سوم هزینه‌ها را تأمین کند.

ریحان گفت: «وقتی بچه‌ها فهمیدند دیگر خانه‌ای نداریم، در یک لحظه، همه رؤیاها و امیدهایشان جلوی چشمانشان فروریخت... خاطر اتمان زیر آوار دفن شد». برای خانواده نواجار، آینده‌ای کاملاً نامعلوم در پیش است؛ چرا که آن‌ها در سایه یک چادر با منظره‌ای مستقیم به ویرانه‌های خانه‌شان زندگی می‌کنند. از گفت‌وگو با دیگر ساکنان روستا که خانه‌های آن‌ها نیز تخریب شده، چنین برمی‌آید که حتی لمس توده‌های درهم‌تنیده میلگرد و سنگ‌های سفید ممنوع است، چه رسد به پاک‌سازی آن‌ها.

مجوز برای ساخت؟ نداریم

آنچه از زندگی خانواده محمود نواجار خواندیم، نه اتفاق یا پدیده‌ای جدید، بلکه بخشی از سیاست دیرینه‌ای است که دهه‌هاست توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی دنبال می‌شود؛ سیاستی که تخریب خانه‌های فلسطینیان را یاد‌آوری نداشتن «مجوز ساخت» توجیه می‌کند، اما در واقع، بخشی از روندی عمیق‌تر برای تغییر بافت جمعیتی و سرزمینی منطقه است.

بر اساس گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری، تخریب خانه‌های فلسطینیان به دست نیروهای اسرائیلی، دهه‌هاست ادامه دارد و به‌ویژه در منطقه C از کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس به یک ابزار مستمر و سیستماتیک برای محدود کردن حضور فلسطینیان و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین تبدیل شده است. این روند مدت‌ها پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، آغاز شده بود.

با وجود ادعای اسرائیل مبنی بر اینکه این ساختمان‌ها بدون مجوز قانونی ساخته شده‌اند، واقعیت این است که فلسطینیان عملاً امکان دریافت مجوز ساخت از «اداره مدنی اسرائیل» را ندارند. آمارها نشان می‌دهد که در منطقه C، بیش از ۹۵ درصد از درخواست‌های فلسطینیان برای دریافت مجوز رد می‌شود. در مقابل، شهرک‌نشینان اسرائیلی نه تنها به راحتی مجوز می‌گیرند، بلکه در موارد متعددی، ساخت و سازهای غیرقانونی آن‌ها بعداً با حمایت دولت رسمی می‌شود.

بر اساس گزارش سازمان اسرائیلی Peace Now، اداره غیرنظامی اسرائیل اذعان کرده ۹۵ درصد از درخواست‌های مجوز ساخت و ساز فلسطینیان در منطقه C رد می‌شود.

در عمل، طی ۲۰ سال گذشته، به‌طور متوسط کمتر از ۱۰ مجوز در سال صادر شده است. این در حالی است که بیش از ۳۰۰ هزار فلسطینی در این منطقه زندگی می‌کنند. همچنین داده‌های ارائه‌شده توسط سازمان Bimkom نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، فلسطینیان ۲۵۵۰ درخواست مجوز ساخت و ساز ارائه داده‌اند که تنها ۲۴ مورد از آن‌ها تأیید شده، یعنی نرخ رد درخواست‌ها حدود ۹۹ درصد بوده است.

آن روی سکه ویرانی

آمارهای معنادار نشان می‌دهند آنچه پس از حملات ۷ اکتبر رخ داد و نگاه جهانیان را به ویرانی گسترده خانه‌های فلسطینیان خیره کرد، تنها بخش آشکار یک سیاست عمیق‌تر و ریشه‌دارتر است. بخشی که با خشونت‌های عریان و ویرانگری بی‌سابقه همراه بود. اما روی دیگر این سکه که کمتر در کانون توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد، همان روندهای ظاهر قانونی اما در باطن تبعیض‌آمیز و سیستماتیک است که سال‌هاست با ابزارهایی نرم‌تر، اما به همان اندازه مخرب، زندگی و سرزمین فلسطینیان را در سایه قانون هدف گرفته‌اند؛ روندی که بی‌سروصدا اما پیوسته، بنیان‌های حضور فلسطینیان در سرزمین خود را فرسوده و تضعیف کرده است.

در امتداد همین منطق، آنچه در ماه‌های اخیر در نوار غزه رخ داده نیز معنای روشن‌تری می‌یابد. اگر در گذشته تخریب خانه‌ها اغلب با دلایلی چون «نبود مجوز ساخت» توجیه می‌شد، این بار حملات هوایی و زمینی بی‌سابقه، کل ساختار شهری نوار غزه را هدف گرفته‌اند. شواهد میدانی و گزارش‌های متعدد سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهند تقریباً تمامی زیرساخت‌های عمومی، محله‌های مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها و حتی مراکز توزیع غذا به‌طور گسترده ویران شده‌اند. این حجم از تخریب، دیگر نه فقط عملی نظامی، بلکه نمایانگر سیاستی هدفمند برای نابودسازی کامل محیط زندگی و ممانعت از بازگشت فلسطینیان به سرزمین خود است.

سوتیتر: من از چهار یا پنج بولدوزر محافظت می‌کردم. طی دو روز، آن‌ها روزانه حدود ۶۰ خانه را ویران کردند. یک خانه یک یا دو طبقه در کمتر از یک ساعت تخریب می‌شد؛ خانه‌های سه یا چهار طبقه کمی بیشتر زمان می‌بردند. مأموریت رسمی ما، باز کردن مسیر لجستیک برای مانور نظامی بود، اما در عمل، بولدوزرها صرفاً خانه‌ها را تخریب می‌کردند.

دومیساید یا همان خانه‌گشی

تا امروز، تنها حدود ۴ درصد از ساختمان‌های رفح و مناطق اطراف آن بدون آسیب باقی‌مانده‌اند. حدود ۳۰ درصد از کل ساختمان‌ها در نوار غزه به‌طور کامل ویران شده‌اند. ارتش اصرار دارد که این تخریب‌ها صرفاً به دلایل عملیاتی صورت گرفته است، اما گفتگو با سربازان اسرائیلی نشان می‌دهد که تخریب، خود به یک هدف مستقل تبدیل شده است.

«من از چهار یا پنج بولدوزر محافظت می‌کردم. طی دو روز، آن‌ها روزانه حدود ۶۰ خانه را ویران کردند. یک خانه یک یا دو طبقه در کمتر از یک ساعت تخریب می‌شد؛ خانه‌های سه یا چهار طبقه کمی بیشتر زمان می‌بردند. مأموریت رسمی ما، باز کردن مسیر لجستیک برای مانور نظامی بود، اما در عمل، بولدوزرها صرفاً خانه‌ها را تخریب می‌کردند. بخش جنوب شرقی رفح دیگر وجود ندارد؛ افق کاملاً صاف شده است. هیچ شهری باقی نمانده.»

در روایت‌هایی که از دل جبهه‌های غزه بیرون آمده، آنچه سربازان اسرائیلی با گوی می‌کنند فراتر از «عملیات نظامی» است؛ اینجاست تخریب به روانی عادی و حتی هدف اصلی

بدل شده است. یکی از سربازانی که در اتاق عملیات محور «نتساریم» فعالیت داشت، گفت: «هیچ دلیل نظامی برای ویرانی این خانه‌ها وجود نداشت. نه تهدیدی متوجه ما بود، نه ارتباطی با دفاع از مواضعمان داشت.»

در حالی که مقامات عالی‌رتبه ارتش در رسانه‌ها از عباراتی نرم شده، چون «شناسایی هدفمند» یا «ایجاد نوار امنیتی» استفاده می‌کنند، سربازان می‌دانند در میدان چه می‌گذرد؛ زمین صاف کردن، یعنی تخریب همه جاذبه مناطق مسکونی برای آنکه دیگر بازگشتی در کار نباشد. اینجاست که واژه‌ای کمتر شنیده‌شده اما پر معنا وارد بحث می‌شود: «دومیساید» - ویران‌سازی عامدانه خانه‌ها. مفهومی که اگرچه هنوز در چهارچوب حقوق بین‌الملل تثبیت نشده، اما به عنوان مصداق از جنایت علیه بشریت در محافل حقوقی مطرح است. در مناطقی چون بیت‌حنون، بیت‌لاهی، شجاعیه و خربت خزاعه، شاهدان از ویرانی ۷۵ تا ۱۰۰ درصدی مناطق سخن می‌گویند. در رفح، شهری که زمانی قلب تپنده جنوب غزه بود، حالا از هر ۲۰ خانه تنها یکی پابرجاست.

ماجرا در لبنان ادامه دارد

سیاست تخریب در جنوب لبنان نیز به شکل هدفمند و گسترده‌ای اجرا شده است. بر اساس گزارش سازمان UN-Habitat و دو دانشگاه لبنانی که تصاویر ماهواره‌ای تا پایان نوامبر ۲۰۲۴ را تحلیل کرده‌اند، حدود ۶.۶ درصد از کل ساختمان‌ها در مناطق جنوب لیبانی - معادل ۱۵،۶۳۳ ساختمان یا ۳۳،۴۴۸ واحد مسکونی - از آغاز جنگ در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به‌طور کامل یا شدیداً تخریب شده‌اند.

سرباز ذخیره در گردان مهندسی ۷۶۴ که تا بستان ۲۳۴ برای عملیات زمینی در لبنان آماده شده بود، روایت می‌کند که در جلسه آموزش به‌صراحت گفته شده هدف از ورود به لبنان، نابود کردن روستاهای شیعه است؛ «فرمانده گردان در آموزش مین‌گذاری پیش از عملیات زمینی گفت هدف ما نابود کردن روستاهای شیعه است. هیچ‌گاه از واژه‌هایی مانند تروریست یا دشمن استفاده نکرد؛ فقط «روستاهای شیعه» را هدف قرار داد. این تخریب هیچ هدف نظامی ندارد، بلکه کاملاً سیاسی است.»

صاف‌کننده جبالیا

آبراهام زریبو، راننده بولدوزر مدل TD۹ که با ویدئوهای تخریبش در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسید و خود را «صاف‌کننده جبالیا» نامیده است، در مصاحبه‌ای با کانال ۱۴ به تشریح نحوه انجام این عملیات پرداخت. او گفت که تپ «گفتنی» «بگان نظامی‌ای که در آن خدمت می‌کرد، تصمیم گرفت یک گردان مهندسی ویژه برای تخریب‌ها تشکیل دهد؛ «تا قبل از این هیچ وقت بولدوزر ندیده بودم، فقط عکس‌هایش را دیده بودم. ما سوار بر D۹ و بیل مکانیکی شدیم، آموزش دیدیم و به سطحی حرفه‌ای رسیدیم که بی‌نظیر بود. به فرماندهام گفتیم انگار روی بولدوزر دارم موسیقی می‌نوازم! تصور کنید چطور خانه‌ای با شش یا هفت طبقه را یکی یکی ویران می‌کردم.»

او ادامه داد که از اکتبر ۲۰۲۴ تا زمان آتش‌بس در ژانویه ۲۰۲۵، به‌طور متوسط هر هفته حدود پنجاه ساختمان کامل را تخریب کرده است. زریبو درباره وضعیت مناطق تحت تأثیر گفت: «در رفح هیچ‌کس دیگر جایی برای رفتن ندارد و در جبالیا هم شرایط همین‌گونه است. تا بختیک جنگی ارتش تغییر کرده است؛ دیگر هیچ تهدیدی از جناح‌ها وجود ندارد، چون همه چیز تخریب شد و جبالیا عملاً دیگر وجود ندارد.» او اضافه کرد: «آن‌ها جایی برای بازگشت ندارند. ده‌ها هزار خانواده هیچ مدرکی ندارند؛ نه عکس کودکان، نه شناسنامه، هیچ چیز. می‌آیند و نمی‌دانند خانه‌شان کجا بوده است.»